

بررسی همنشینی گل، بوته و انسان در تزیینات سرستون های عمارت باغ ایرانی فلاحتی ایلام براساس نظریه ی آشنایی زدایی

معصومه صفایی نیا^۱ لیلا رشوادی^۲

چکیده:

زندگی انسان ها و اقلیم آنها همواره متأثر از هنر بوده و این موضوع در بررسی های تاریخی و باستانی به خوبی دیده می شود. تأثیرپذیری از هنر، بخش عمده ای از ابعاد مختلف زندگی انسان ها را در بر گرفته است. از جمله این تأثیرپذیری را در بناهای معماری می توان به خوبی مشاهده کرد. نظریه آشنایی زدایی که در حوزه ادبیات مطرح شد. بعد ها به دلیل قوام و پختگی اش، در دیگر رشته ها و شاخه های هنری نیز مورد بررسی قرار گرفت. آشنایی زدایی یعنی غریبه کردن مفاهیم آشنا و عادی شده تا بتوان به آن ها تازگی دوباره بخشید. بر این اساس، کار اصلی هنر ایجاد تغییر شکل در واقعیت است. با در نظر گرفتن این دیدگاه، تلاش شده تا در این نوشتار برخی عناصر بکار رفته در تزیینات سرستون های عمارت مرکزی باغ ایرانی فلاحتی ایلام (همنشینی گل و بوته و انسان) مورد توجه قرار گیرد. از جهتی به لحاظ اهمیت هنر و نقش تزیینات در بناهای تاریخی، مفهوم پردازش اشکال هندسی، نقوش سنتی به خصوص گل و گیاه و انسان، همنشینی این نقوش و عناصر با بهره گیری از روش توصیفی تحلیلی، مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: آشنایی زدایی، عمارت فلاحتی، تزیینات گچبری، سرستون، تزیینات گل و گیاه.

^۱. کارشناسی ارشد پژوهش هنر - مدرس دانشگاه - massomehsafaeinia1397@gmail.com

^۲. کارشناسی ارشد هنرهای تصویری - مدرس دانشگاه

آشنایی زدایی

آشنایی زدایی^۳، مفهومی منبعث از نظریات نقد ادبی و هنری است که نخستین بار توسط ویکتور اشلوفسکی فرمالسیت روسی، در ۱۹۱۹م. در رساله «هنر» مطرح شد. پس از شک洛夫سکی، «یاکوبسن» و «تینیانوف» از مفهوم «آشنایزدایی» به عنوان بیگانه سازی در متن های ادبی نام بردند. «ژان وپل سارتر» فیلسوف آگزیستانسیالیست فرانسوی واژه **Estrangement** در زبان انگلیسی برای بیان آن (آشنایی زدایی) به کار برد. آشنایی زدایی در پی آن است که در خواننده و شنونده تأثیر بگذارد و او را به اوج لذت برساند، پس برای این منظور، دنیای آشنا و معمولی زبان را در هم می ریزد. به زبانی ساده، آشنایی زدایی سعی در انتقال حس، توسط آثار هنری و ادبی دارد؛ اما نه آنگونه که شناخته شده هستند، بلکه آنگونه که احساس می شوند. در اثر هنری و یا ادبی روند ادراک به گونه ای تعبیه شده که حس و ادراکی متفاوت عرضه می کند که در زندگی طبیعی بسیار معمول و عادی به نظر می رسد. شک洛夫سکی در کلیت به این باور است که هنر، ادراک حسی ما را دوباره سامان می دهد و در این مسیر قاعده های آشنا و ساختارهای به ظاهر ماندگار واقعیت را دگرگون می کند؛ یعنی از دید او: هنر عادت مان را در فرایند ادراک حسی تغییر می دهد و هر پدیده آشنا و مفهوم مبتنی بر دریافت عادت را - که آشنا برای ما است - نا آشنا و بیگانه می سازد که همین بیگانه سازی و «ناآشنایی» را می توان به گونه ای، «آشنایی زدایی» از مفاهیم و پدیده دانست. این مفاهیم و پدیده ها - چه در حالت عینی و چه هم در حالت ذهنی - می توانند در متن های ادبی و به همین قیاس در گونه های مختلف هنری و گونه های متعدد آن باهمین رویکرد شکل بگیرند. یکی از روش هایی که برای شناخت از رویکرد «آشنایی زدایی

³.Defamiliarization

«به صورت کل برشمرده شده و روش بسیار بنیادی هم تلقی می شود. آشنایی زدایی به خاطر شکستن هنجارها و نظم هایی است که به آن ها عادت کرده ایم و به منظور خلق نوآوری و تازه گی در فرآورده های هنری، شکستادن این هنجارها و نظم ها، بسیار مهم و ضروری پنداشته می شوند. "شکلوفسکی" درنوشته ای زیرنام "هنرمانند یک شگرد"، رویکردآشنایی زدایی را در کلیت، دیدن پدیده ها به گونه نامتعارف، غیر معمولی و غیرطبیعی می داند و می نویسد: "آشنایی زدایی؛ یعنی دیدن چیزها (پدیده ها) خارج از زمینه معمولی و طبیعی شان." این توجیه به گونه روشن می رساند که برهم زدن قاعده ها و هنجارهای آشنا و در واقع آشنایی زدایی به مفهوم ایجاد دید تازه و نگاه جدید در فرآیند آفرینش هنری است که هنرمند با همین روش آشنایزدایی، دنیای نادیده، نا آشنا و تازه ای را باید کشف کند و سپس به ارایه ی آن پردازد. این شگرد قادر است در مخاطب درک و دریافت جدیدی از جهان پیرامون ایجاد کند که تاکنون تجربه نشده است. وقتی هنرمندی از یک منظره طبیعی تابلویی را ترسیم می کند، از زبان و عناصر بصری بهره می برد که خود مانعی است برای ساده انگاری و سطحی دیدن و نگاهی گذرا. این آشنایی زدایی در سطح زبان است (مکاریک، ۱۳۸۳: ۱۳).

پیشینه مطالعات انجام شده

بررسی های انجام شده نشان می دهد که در باره نقش گل و گیاه در آثار هنری دوره قاجاریه و نیز آشنایی زدایی در هنر، تحقیقات و پژوهش های زیادی در مراکز علمی و دانشگاهی صورت گرفته است. در این رابطه می توان به آثار متعددی اشاره نمود. به لحاظ اختصار در این نوشتار محدود به مواردی اشاره می شود از جمله: الهه پنجه باشی (۱۳۹۴) در مقاله ای با عنوان مطالعه تحلیلی و تطبیقی نقشمایه مرغ در نقاشی های گل و مرغ لطفعلی شیرازی به نقش گل و گیاه و مرغ در نقاشی دوران قاجار می

پردازد و با بررسی نقاشی های لطفعلی شیرازی نشان می دهد نقاشی گل و مرغ در دوره قاجار بازتاب تخیل شاعرانه هنرمندان بخصوص لطفعلی شیرازی است و مرغ در عین واقع گرایی، نماد گرایانه بوده و دارای ظرافت و مهارت بیشتری در ترکیب بندی، طراحی و رنگ گذاری است و کوچک تر از گل تصویر شده است. خانه شاکری قم از جمله خانه های ساخته شده در اواخر دوره قاجار است که در بافت قدیمی قم قرار دارد و با عناصر بکار برده شده در تزیینات سرستون های عمارت ایجاد شده در محوطه مرکزی باغ ایرانی فلاحتی در شهر ایلام قابل مقایسه است. این خانه به نوعی معرف تزیینات دوران قاجار می باشد که این تزیینات، تجلی معانی و مفاهیم روحانی ایرانی- اسلامی است. از جمله تزیینات استفاده شده در این خانه می توان به نقوش انسانی و گیاهی در سرستون های آن اشاره کرد. سرستون های به کار رفته در سردر ورودی این بنا، دارای نقش برگ نخل و کنگر هستند؛ اما در سرستون های به کار رفته در داخل ایوان ها از نقش فرشتگان استفاده شده است که این نقوش در دوران پیش از قاجار در معماری اسلامی جایگاه خاصی نداشته است (مؤمنی و همکاران؛ ۱۳۹۴:۱۲۸).

عمارت فلاحتی

این مجموعه در خیابان آیت الله حیدری و محله شادآباد (از محلات قدیمی ایلام)، از دوره قاجار و اوایل سلسله پهلوی برجای مانده است. کاخ فلاحتی در بخش مرکزی یک باغ منظم ایرانی ساخته شده و یک رشته قنات آب باغ را تأمین می کند. این مجموعه خیابان ها و راهروهای منظمی داشته و گونه های مختلف درختانی که با اقلیم این منطقه سازگار بوده، در ردیف های منظم و قطعات باغ به چشم می خورد. متأسفانه در سال های اخیر با احداث ساختمان جهاد کشاورزی و تأسیسات مربوطه این باغ

ارزشمند ایرانی موقعیت تاریخی خود را از دست داده است. در سال ۱۳۹۰ با محور کردن عمارت مرکزی و تبدیل آن به موزه کشاورزی اقداماتی در راستای بازسازی و حفظ این میراث تاریخی صورت گرفته است. این کاخ به دستور غلامرضاخان والی پشتکوه در سال ۱۳۲۶ هـ ق احداث گردیده است. قبلاً فضایی که کاخ در آن قرار گرفته کاملاً باز و باغ‌های میوه اطراف آن زیبایی خاص به آن بخشیده بود (محمودیان، ۱۳۹۶: ۵۰). عمارت فلاحی ایلام دارای ۷ اتاق و یک ایوان به شکل مستطیل می باشد. ایوان عمارت با عرض برابر ۹۰/۲ سانتی متر بر روی شش ستون قرار دارد، تمامی اتاق ها و درها بازشویی هایی به ایوان دارند، دیوارهای عمارت فلاحی در ایلام از بیرون دارای تزئیناتی به صورت برجسته به وسیله آجر و گچ بری هایی در اطراف پنجره ها می باشد. در فضای داخلی کاخ هیچ گونه تزئینات و نقش و نگاره هایی وجود نداشته و فقط سه طاق نما در قسمت شاه نشین، چهار در وردی فرعی در ضلع جنوبی کاخ وجود دارد، درها و پنجره های کاخ از چوب ساخته شده و در نعل درگاه های پنجره ها و درهای وردی ها قوس ها نیم دایره جناغی و بیضی خوابیده استفاده شده است. دیوارهای کاخ از بیرون دارای تزئیناتی به صورت برجسته به وسیله آجر و گچ بری هایی در اطراف پنجره ها می باشد. در جلوی کاخ یک حوض مستطیل شکل قرار دارد. این بنای تاریخی به دلیل ویژگی های خاص معماری در تاریخ ۱۳۷۵/۶/۱ به شماره ۱۷۵۰ در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسید. در سال های اخیر مجموعه عمارت به موزه تاریخ کشاورزی شامل ۴ فضای نمایشی اختصاص یافته است. فضای اول: در این فضا ابزارهای سنگی تپه پیش از تاریخ علی کش که مربوط به ۸ هزار سال قبل از میلاد می باشد، ابزارها شامل: تیغه، ریز تیغه، خراشنده از جنس چخماق، ابسیدین، کوبه و سنگ معمولی است. فضای دوم: در این فضا کشاورزی

به شیوه سنتی و مراحل کاشت، داشت و برداشت به نمایش گذاشته شده است. این بخش شامل مراحل کاشت، داشت و برداشت است. فضای سوم: در این فضا، گیاهان دارویی و آسیاب دستی و شیوه آسیاب نخود و غلات به نمایش گذاشته شده است. فضای چهارم: به بخش پژوهش و تحقیقات موزه، کتابخانه و مرکز اسناد در موزه تاریخ کشاورزی اختصاص یافته است.



نمایی از کاخ فلاحتی ایلام

تزینات سرستون ها

اما اینکه همنشینی گل و گیاه و انسان در تزینات سرستون های این بنا و بناهای مشابه بازتاب چه رویداد و یا نماد و مفهوم انسان شناختی و یا روش و الگوی کدام رفتار اجتماعی است سؤال برانگیز است. و نیاز به مطالعات جامعه شناختی مقطع زمانی ایجاد چنین اثری است. آثار گل و مرغ در دوره صفوی و قاجار ریشه در ادبیات و عرفان اسلامی دارند. نقاشی گل و مرغ در ادامه هنر سنتی نگارگری که هنری سنتی - اسلامی و قدسی است بوجود آمد و رشد و نمود آثار هنری اسلامی بر زمینه ای از اندیشه های عرفانی و اسلامی بوده است. اندیشه های نمادین پیرامون گل و گیاه،

پرنندگان و باغ بهشت و نیز اهداف و غایات توحیدی هنر سنتی - اسلامی است که در نگارگری و در نمایش باغ بهشت نمود یافته است و به همراه اهداف توحیدی نهفته در عرفان اسلامی جملگی در ادبیات و زبان پارسی - در سنت ادبی گل و بلبل و داستان مرغان روح - قابل پیگیری است.



گل و گیاهان قبل و بعد از اسلام نمادی برای آب، پاکی‌ها و خوبی‌ها، کمال، رشد و تعالی، ایزدان، جاودانگی، ذات یگانه پروردگار و خلاصه باغ بهشت و پرنده (مرغ) مهمترین نماد برای نمایش روح انسان بوده است. باغ بهشت قبل از اسلام مکان نیکوکاران، فرشتگان، فرّوشی‌ها (روان‌های نورانی) و پس از اسلام باغی سرسبز با نهرهای جاری، مأوای نیکوکاران، جایگاه نفس مطمئنه (نفس نورانی) مکان جاودانگی بوده است.



در مرکز این باغ درخت سدره المنتهی (طوبی) قرار دارد. در نتیجه به طور کلی گیاه (گل، درخت) نمادی از ذات یگانه پروردگار و خلاصه باغ بهشت و پرنده نمادی از روح انسان نیکوکار است و ترکیب دو نماد گیاه و پرنده می‌تواند نمایشی از حضور انسان در باغ بهشت باشد (خرمی، ۱۳۹۵). در سرستون‌های عمارت فلاحتی گچ‌نگاره‌های زیبایی دیده می‌شود که پیکره‌های انسان در میان گل و گیاه احاطه شده است. در دیدگاه معمول و در ادبیات روزمره می‌توان چنین توصیف کرد که این سرستون‌ها تنها با هدف زیباشناسانه و جلوه‌گری در بنا ساخته شده‌اند و هدف و کارکرد دیگری ندارند. اما با کمی تأمل و دقت می‌توان به خوبی دریافت که معمار این بنا هدفی والاتر و مهمتر از اهداف معمول را در پی گرفته و با مهارت خاصی این تزیینات را در سرستون‌ها به کار برده است. تندیس‌ها و گچ‌بری‌هایی که زنان و مردان را در کنار هم قرار داده و ارزشی یکسان را برای آنها قائل شده است که از جهات مختلف به ویژه از نظر جایگاه ارزشی و مساوی بودن زن و مرد در خانواده دارای اهمیت می‌باشد. از طرفی هم، می‌توان ردپای اقلیم و جغرافیا را در این اثر به خوبی مشاهده کرد. گل و گیاه شاید در این نقش‌ها انعکاسی از مردمان اقلیم کوهستانی ایلام باشد که

همیشه با طبیعت در تعامل بوده و از آن تاثیر گرفته اند. حکاکای تندیس زن و مرد در کنار هم در این بنا در حالی که در میان گل و گیاه احاطه شده اند نشان از این دارد که در این منطقه از کشور مرد و زن در کنار هم به صورت مساوی دیده شده اند و لذا همه از طبیعت بهره برداری نموده اند و تبعیضی بین آنها دیده نشده است.



گچ نگاره ها و تزیینات سرستون های عمارت فلاحتی



گچ نگاره ها و تزیینات سرستون های عمارت فلاحتی



نقش برگ کنگر در سرستون های ورودی خانه شاکری قم



نقش فرشته در سرستون های داخل حیاط

نتیجه گیری

عمارت فلاحتی در بخش مرکزی یک باغ منظم ایرانی ساخته شده و یک رشته قنات تامین کننده این باغ ایرانی است. در گذشته این مجموعه دارای خیابان ها و راهرو های منظم بود و گونه های درختانی که با اقلیم این منطقه هم خوانی داشته در ردیف های منظم و قطعات باغ به چشم می خورد (محمودیان، ۱۳۹۵: ۵۰). این عمارت بنا به دستور غلامرضا خان والی پشتکوه در سال ۱۳۲۶ ه.ق احداث گردیده است. نقشه درونی آن به صورت دو اتاق تودرتو در اطراف و یک هالی بزرگ در وسط می باشد و در جلوی هال یک ایوان قرار گرفته که در اتاق ها و هال به آن باز می شوند. دو طرف اتاق ها به صورت چند ضلعی منظم بیرون آمده و بین آنها دو تراس قرار دارد و

در هر دو طرف پنجره ای به ابعاد ۱ * ۲ متر تعبیه شده که با طاقی نیم دایره ای و گچ بری های زیبایی با نقوش انسانی و گل و گیاه مزین شده است. استفاده از نقوش گل و گیاه و انسان در تزیینات بناهای ساخته شده در دوران قاجاریه معمول بوده است. اما به نظر می رسد کارکرد و مفهوم این نقوش در ادبیات و بناهای تاریخی این دوران متفاوت بوده و به گونه ای می توان چنین تعبیر کرد که آشنایی زدایی در این مفاهیم ظاهری برای مخاطب صورت گرفته است. از جمله اینکه گل و گیاه در ادبیات این دوران همواره با مرغ و پرند همراه بوده و معنایی عرفانی و معنوی به آن بخشیده است. هر جا مرغ با گل و گیاه همراه شده نمادی برای نمایش روح انسانی، تجلی بهشت و منزلگاهی زیبا برای او بوده است؛ اما همنشینی گل و گیاه و انسان در بناهای قاجاری شهر ایلام از جمله عمارت فلاحی، بیشتر حول محور کارکردهای اجتماعی و متناسب با اقلیم منطقه به کار برده شده است. از جمله اینکه محصور شدن تندیس انسان در میان گل و گیاه نشان از عجین بودن مردمان این سرزمین کوهستانی با طبیعت دارد. از طرفی چنین به نظر می رسد، معنای دیگر این همنشینی حکایت از هم ردیف بودن منزلت و شأن زن و مرد و نگاه یکسان به ایشان در این منطقه از دوران گذشته، دارد. بررسی ها نشان می دهد آثار مختلف و متعددی در کشور از دوره قاجار و قرون متأخر اسلامی برجای مانده که بخشی از عناصر معماری آن ها با بهره گیری از تزیینات مشابه با تزیینات سرستون های عمارت والی ایلام انجام شده و قابل مقایسه است. به عنوان نمونه می توان به خانه شاکری قم اشاره کرد که در بافت قدیمی قم قرار دارد و با عناصر بکار برده شده در تزیینات سرستون های عمارت ایجاد شده در محوطه مرکزی باغ ایرانی فلاحی در شهر ایلام قابل مقایسه است.

منابع و مأخذ:

- خرمی، مهناز؛ (۱۳۹۵)، پایان نامه «گل و مرغ نماهای بهشت در هنر صفوی و قاجار»، دانشگاه پیام نور استان تهران
- محمودیان، حبیب اله؛ (۱۳۹۵)، میراث ماندگار (تمدن و فرهنگ ایلامیان)، انتشارات زاگرو، چاپ اول.
- محمودیان، حبیب اله؛ (۱۳۸۷)، باستان شناسی از دیدگاه انسان شناسی، انتشارات زاگرو، ایلام.
- مکاریک، ریما؛ (۱۳۸۳)، ترجمه: مهران مهاجر، محمدنبوی، دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر، انتشارات آگه، تهران
- مؤمنی، کوروش؛ (۱۳۹۴)، بررسی تزیینات خانه های قاجاری شهر قم (مطالعه موردی خانه شاکری قم)، فصلنامه علمی نگارینه هنر اسلامی.

1. Investigating the coexistence of flowers, bushes and humans in the decoration of the capitals of the mansion of Iranian Falahati garden of Ilam based on the theory of defamiliarization

Masoume Safaei, Nia Leila Rashnavadi

Abstract

People's lives and their climate have always been affected by art, and this issue is well seen in historical and ancient studies. Being influenced by art covers a large part of different aspects of human life. Among other things, this effectiveness can be seen well in architectural buildings. The theory of defamiliarization, which was proposed in the field of literature, was later investigated in other disciplines and branches of art due to its consistency and maturity. Defamiliarization means alienating familiar and normal concepts so that they can be renewed. Therefore, the main work of art is to transform reality. Considering this point of view, an attempt has been made to pay attention to some of the elements used in the decorations of the capitals of the central Iranian mansion of Falahati Garden in Ilam (combination of flowers, bushes and humans).

In terms of the importance of art and the role of decorations in historical buildings, the conceptualization of geometric shapes, traditional motifs, especially flowers, plants, and humans, the coexistence of these motifs and elements have been investigated using the analytical descriptive method.

Key words: defamiliarization·Falahati mansion ، plaster decoration ، capital· flower and plant decorations.